

دربچه

معاون رئیس‌جمهور مطرح کرد

افزایش قدرت ملی ایران از طریق گردشگری

● شرق: «دولت تدبیر و امید با انتخاب مسیر گفت‌وگو در تلاش است تا از گردشگری برای افزایش قدرت ملی استفاده کند». این بخشی از گفته‌های معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری در مراسم افتتاحیه دهمین دوره نمایشگاه بین‌المللی گردشگری تهران بود. به جز او رضا صالحی‌امیری، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و تعدادی از سفرای کشورهای خارجی نیز در این مراسم حضور داشتند. رئیس سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری در سخنان خود در این برنامه بر تلاش ایران برای تحقق صلح پایدار در منطقه، تأکید کرد. زهرا احمدی‌پور در ادامه گفت: «این عزم جدی در دولت تدبیر و امید وجود دارد تا از طریق گردشگری، صلح پایدار و امنیت پایدار در منطقه فراهم شود. من خوشحالم این نمایشگاه را در کشوری امن با گفتمان اعتدال افتتاح می‌کنیم و در زمانی که ظرفیت‌های جمهوری اسلامی ایران از طریق دیپلماسی، رو به افزایش است. دولت تدبیر و امید با انتخاب مسیر گفت‌وگو در تلاش است از گردشگری برای افزایش قدرت ملی استفاده کند. این عزم جدی در دولت وجود دارد تا از طریق گردشگری، امکان صلح پایدار و امنیت پایدار در منطقه فراهم شود.

رئیس سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری افزود: «این سازمان اولویت‌های خود را بر پایه اصولی قرار داده که مدنظر دولت است تا بستر تسهیلات مورد نیاز را برای تقویت فرصت‌های گردشگری در ایران فراهم کند. این نمایشگاه نشان می‌دهد ایران سرزمین تنوع و تمدن است و ما با پایه این تنوع و تمدن، توانایی داریم در بخش‌های مختلف گردشگری فعالیت داشته باشیم».

سیدرضا صالحی‌امیری، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، دیگر سخنران این مراسم هم در سخنانی، ایران را امن‌ترین نقطه خاورمیانه و امن‌ترین کشور برای هرکسی که انگیزه حضور را در این سرزمین دارد، معرفی کرد و گفت: همگان را به حضور در ایران و بازدید از منابع طبیعی و میراث فرهنگی ایران باثبات و بانشاط دعوت می‌کنم.

او همچنین خطاب به میهمانان خارجی اظهار کرد: شما دو تصویر از ایران دارید؛ ایران نفتی و ایران فرهنگی. ما بر این باوریم که نفت نمی‌تواند ایران را به اهداف توسعه‌ای پایدار برساند و معتقدیم از بستر میراث فرهنگی و گردشگری می‌توانیم منابع درآمدی را جایگزین نفت کنیم.

وی سپس ایران را سرزمین رمز و راز دانست و افزود: هر میزانی در هر نقطه‌ای از این سرزمین که برای توسعه اقتصادی و صنعتی تلاش یا کانالی حفر می‌شود، به منابع جدیدی از میراث فرهنگی دست می‌یابند. ایران فرهنگی با میراث تمدنی بسیار گسترده، مجموعه‌ای از رمزها و رازها را در خود جای داده است. صالحی‌امیری در ادامه به دوره‌ها و تمدن‌های تاریخی این سرزمین ازجمله صفویه، قاجارنشیان، هکمتانه و حیرت‌افشاگر کرد و افزود: این جغرافیا برای همه گردشگران امن است. تنوع فرهنگی و اقلیمی در این سرزمین کم‌نظیر است. هم‌اکنون که با شما صحبت می‌کنم، در بخش دیگری از این جغرافیا، نقاطی با دمای منفی ۲۰ درجه و همچنین مثبت ۲۰ درجه هستند که برای همه گردشگران و اقلار، جذابیت‌های خاص خود را دارد. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی سپس به خلق‌وخوی مردم ایران به‌عنوان ظرفیت فرهنگی این کشور اشاره کرد و گفت: مردمان ایران‌زمین، انسان‌هایی صاحب اخلاق، معرفت و انسانیت هستند و این دیرباز به میهمان‌نوازی شهره بوده‌اند. او بیان کرد: همچنین اصلی‌ترین چهره دیپلماسی فرهنگی و روابط بین‌ملت‌ها از دروازه گردشگری اتفاق می‌افتد. دولت روحانی هم با تداوم مذاکره و توافق در حوزه برجام، بسترهای مناسب را برای توسعه گردشگری ایجاد کرده است. دهمین دوره نمایشگاه بین‌المللی گردشگری تهران که از روز گذشته به مرکز نمایشگاه‌های بین‌المللی پایتخت کار خود را آغاز کرده است، در فضایی به وسعت ۴۰هزار مترمربع، در ۱۱ سالن و با ۹ طبقه به مدت چهار روز تا پنجشنبه ۲۱ بهمن برپا خواهد بود.

هرساله در همه کشورهای صاحب صنعت نمایشگاهی دنیا، نمایشگاه‌هایی به منظور ترویج صنعت سفر و گردشگری برگزار می‌شود که به‌عنوان ابزاری مناسب در راستای به‌رکشیدن داشته‌های فرهنگی، تاریخی، طبیعی یا صنعتی آن کشور به کار گرفته می‌شوند.

نمایشگاه بین‌المللی گردشگری و صنایع وابسته در تهران تنها رویداد رسمی نمایشگاهی کشورمان در حوزه صنعت گردشگری و هتل‌داری است که در تقویم سازمان جهانی گردشگری WTO به ثبت رسیده و سازمان یادشده آن را تأیید کرده و به آن توجه داشته است. هرساله اسامی شرکت‌کنندگان در این نمایشگاه از سوی برگزارکننده در اختیار WTO قرار می‌گیرد و حضور در آن، به‌عنوان یک رکورد از سوی این سازمان در سوابق شرکت‌کنندگان ثبت می‌شود. همچنین این نمایشگاه تنها نمایشگاه در حوزه صنعت گردشگری و هتل‌داری در تهران است که مجوز قانونی سازمان توسعه تجارت را دارد است.

معصومه اصغری: شورای شهر تهران دهم بهمن جاری، یعنی حدود ۲۰ روز پس از فوت آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی، طرحی یک‌فوری‌تی را برای نام‌گذاری معبری به نام وی با حدود ۱۹ امضا ارائه و تصویب کرد. این در حالی است که پیش از این، در بیشتر موارد مشابه، برای نام‌گذاری معابری به نام افرادی در این سطح یا پایین‌تر، طرح‌هایی دوفوریتی در زمان کوتاهی پس از فوت آن مقام یا شخصیت ارائه و تصویب می‌شد.

اسماعیل دوستی، عضو شورای شهر تهران که پیشنهاددهنده این طرح بود، در توضیح دلایل یک‌فوریتی‌بودن این طرح، گفت: آیت‌الله رفسنجانی یکی از شخصیت‌های گران‌سنگ انقلاب بود که همواره در کنار امام (ره) و رهبری بودند. اکنون ما به پاس خدمات ارزنده ایشان در سمت‌های مختلف به کشور و مردم، این طرح را مطرح کرده‌ایم. با توجه به اینکه در همه شهرها یکی از معابر خود را به نام ایشان نام‌گذاری کرده‌اند؛ بنابراین شایسته نیست در پایتخت و محل زندگی ایشان، این نام‌گذاری را به تأخیر بیندازیم. او در ادامه یکی از پیشنهادهای خود برای نام‌گذاری معبر در تهران، یعنی بزرگراه «رسالت» را ارائه می‌کند که با مخالفت برخی از اعضا روبه‌رو می‌شود. پرویز سروری، رئیس کمیسیون نظارت شورا، با اشاره به اینکه نام بزرگراه رسالت در میان مردم جا افتاده، گفت: «بتر است برای اینکه این نام‌گذاری مؤثر باشد، این طرح در کمیسیون نام‌گذاری بررسی و جانمایی شود». احمد دنیامای، دیگر عضو شورا، نیز ضمن تأیید این طرح، گفت: «در محدوده شرق تهران، اسم شهدای بزرگی مانند شهدان مدنی، آیت و باقری وجود دارد و با توجه به اینکه شخصیت آیت‌الله هاشمی متفاوت است؛ بنابراین این اسم نیز سریع مرسوم خواهد شد».

اما مجتبی شاکری، رئیس کمیسیون نام‌گذاری شورای شهر تهران که با دوفوریتی‌بودن طرح مخالفت داشته است، با اشاره به مصوبات دوفوریتی گذشته شورا، تأکید می‌کند: «دوفوریتی‌هایی داریم مثل نام‌گذاری معبری به نام کودکان غزه که هنوز بر زمین مانده‌اند و اجرائی نشده‌اند و اگرچه شورا با اصل نام‌گذاری موافق است؛ اما اسامی رسالت، نبوت و امامت با یکدیگر هماهنگی دارند و این اسامی بین مردم مرسوم شده‌اند؛ بنابراین بهتر است تغییر و جابه‌جایی این اسامی مطالعه و بررسی شود».

محسن سرخو، رئیس کمیته حمل‌ونقل شورا، نیز با اشاره به اینکه هاشمی از انقلابیون نسل اول و از استوانه‌های نظام بودند و سال‌های زیادی را در زندان



پدیده‌های اجتماعی و فضای مجازی

وحید معتمدنژاد

در کنار خیلی از پدیده‌های اجتماعی امروزی که در سایه شبکه‌ها و رسانه‌های مستقیم و رورورو به ظهور می‌رسند، پدیده «کولبر» نیز جدا از سایر پدیده‌ها نمی‌تواند در زیر خاک یا برف مدفون شود و به‌ناچار راه خود را در مسیر آگاهی می‌یابد. اگر امروز صحبت از «کولبر» است و دیروز «حادثه پلاسکو» و نظیر آن در بسیاری از مکان‌ها و فضاهای دیگر، بسته به «هوشیاری اجتماعی» است که به نحای گوناگون در کالبد اجتماع سر درآورده و تأثیر خود را بر فضای بسته گذاشته است. اینکه هر روز در بستر اجتماع شاهد نمایش این‌گونه از پدیده‌ها هستیم، حاصل ارتباط سریع و بدون مانعی است که در فضای مجازی به صدا درآمده و از آن طریق هیچ راه گریزی از جانب سیاست‌ورزان و سیاست‌مداران نیست و ثمره آن همان حضور میلیونی افراد

چرا «آیت‌الله» دوفوریتی نشد؟



به سر بردند، پیشنهاد داد: خیابان انقلاب را به نام ایشان نام‌گذاری کنیم. گزارش روابطعمومی از جلسه یکشنبه دهم بهمن ششور که بدون حضور خبرنگاران برگزار می‌شود، حاکی از آن است که اعضا پس از اختلاف درباره دوفوریتی و یک‌فوریتی‌بودن موضوع، درباره جانمایی و محل‌های پیشنهادی هم اختلاف‌نظر داشتند و به‌این‌ترتیب، یک‌فوریت آن را تصویب می‌کنند تا در کمیسیون مربوطه جانمایی صورت گیرد.

اما فارغ از اینکه این روند، روند قانونی را طی کرده است، چند نکته دارد؛ علت تأخیر در ارائه طرح نام‌گذاری و دیگر، علت یک‌فوریتی‌شدن موضوع، شورای شهر تهران در سال‌های گذشته در مواردی مانند فوت افراد سرشناسی مانند ناصر حجازی، مرضیه داغ، حسین قندی، کاظم معتمدنژاد، حمید سبزواری، شهدای آتش‌نشان، جان‌باختگان منا، شیخ باقر النمر، ورزشکاران و… معمولاً در همان اولین جلسه یکشنبه

به سر بردند، پیشنهاد داد: خیابان انقلاب را به نام ایشان نام‌گذاری کنیم. گزارش روابطعمومی از جلسه یکشنبه دهم بهمن ششور که بدون حضور خبرنگاران برگزار می‌شود، حاکی از آن است که اعضا پس از اختلاف درباره دوفوریتی و یک‌فوریتی‌بودن موضوع، درباره جانمایی و محل‌های پیشنهادی هم اختلاف‌نظر داشتند و به‌این‌ترتیب، یک‌فوریت آن را تصویب می‌کنند تا در کمیسیون مربوطه جانمایی صورت گیرد.

اما فارغ از اینکه این روند، روند قانونی را طی کرده است، چند نکته دارد؛ علت تأخیر در ارائه طرح نام‌گذاری و دیگر، علت یک‌فوریتی‌شدن موضوع، شورای شهر تهران در سال‌های گذشته در مواردی مانند فوت افراد سرشناسی مانند ناصر حجازی، مرضیه داغ، حسین قندی، کاظم معتمدنژاد، حمید سبزواری، شهدای آتش‌نشان، جان‌باختگان منا، شیخ باقر النمر، ورزشکاران و… معمولاً در همان اولین جلسه یکشنبه

پدیده‌های اجتماعی و فضای مجازی

وحید معتمدنژاد

جامعه در استقبال از پیامدهای گوناگون آن است. ببیزیم که جامعه ایرانی امروزه در کنار سایر جوامع از پنجره واقع‌بینی به بسیاری از اتفاق‌های طبیعی و غیرطبیعی به کیاست می‌نگرد و لحظه‌ای از غافل نمی‌ماند. زمانی که پدیده‌ای خواه اجتماعی، خواه سیاسی رخ می‌دهد و علت آن به دلایلی بر کسی روشن نیست، از آن به‌عنوان «مجهول اتفاق» یاد می‌کنند که این نظریه غالباً در جوامع توسعه‌نیافته معمول بوده و اکثراً با پیامدهای خاصی همراه است. پدیده‌ای مانند «کولبر» و «حادثه پلاسکو» در واقع موضوعی است که دولت و شهرداری را در محک آزمایش قرار داده و پس از آگاهی از آن و ریشه‌یابی این‌گونه حوادث می‌تواند در هم‌گرایی «جامعه و سیاست» موفق باشد و فاصله‌ها را از هر حیث کمتر کند. معمولاً در جوامع پیشرفته

نمی‌دانم چرا، فقط می‌دانم منتظر ماندیم کسی اقدام نکرد و بعد هم همین اندازه امضا جمع شد. من از همان جلسه پس از فوت مطرح کردم؛ اما امضاها به دوفوریتی نرسید.

دوستی می‌گوید نمی‌تواند بگوید چه کسانی پای این یک‌فوریتی را امضا کرده‌اند و چه کسانی امضا نکرده‌اند و افزود: به‌جز اصلاح‌طلبان، تعداد دیگری از دوستان هم امضا کردند و برخی دیگر هم نظرشان بر یک‌فوریتی بود. او دلیل این همراهی نکردن یا مخالفت را نمی‌گوید و می‌افزاید: از خودشان پرسید. حالا شما دعا کنید همین هم رای بیاورد.

دوستی در پاسخ به اینکه برخی می‌گفتند چون نام‌گذاری معبری برای آیت‌الله هاشمی حساسیت بیشتری دارد، زمان بیشتری هم می‌خواهد؛ اما آیا نمی‌توانستند مانند سایر موارد دوفوریتی تصویب و بعد در کمیسیون بررسی کنند، گفت: مسئله این است که دوفوریتی به حد نصاب نرسید و تصدّادی از همان ۱۹ نفر دوستان امضاکنده هم بر یک‌فوریتی تأکید داشتند. همین موضوع را هم چهار عضو در حالی پیگیری هستند. او می‌گوید برای پیشنهاد بزرگراه رسالت چند دلیل دارد؛ ازجمله اینکه بزرگراه رسالت در شان آیت‌الله است و اینکه نام‌گذاری رسالت مصوبه ندارد.

همچنین معصومه آباد، یکی از اعضای کمیسیون نام‌گذاری شورای چهارم، در پاسخ به این سؤال که چرا این موضوع یک‌فوریتی ارائه، بررسی و تصویب شد، گفت: می‌خواستیم در کمیسیون نام‌گذاری بیشتر بررسی شود، تا یکی از معابر اصلی شهر تهران را که مناسب است، در نظر بگیریم، معمولاً این‌گونه است که دوفوریتی نام‌گذاری را تصویب می‌کردیم و بعد برای جانمایی به کمیسیون می‌رود.

او در پاسخ به این سؤال که چرا نام‌گذاری دوفوریتی نشد و امضاها کافی را نداشته است، گفت: فعلاً تأییدیه نام‌گذاری را گرفته؛ اما جانمایی باید در کمیسیون تخصصی بررسی شود. به گزارش «شرق»، در مشاب‌ه‌ترین مورد برای نام‌گذاری معبری برای مرحوم آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی، باید به ارائه دوفوریتی نام‌گذاری معبری برای مرحوم آیت‌الله مهدوی‌کنی اشاره کرد. در این مورد هم اگرچه شورا پس از چند پیشنهاد معبر که رای نیاورد، در حال بررسی نام‌گذاری است؛ اما طرح دوفوریتی نام‌گذاری در همان هفته اول ارائه شد و مجتبی شاکری، رئیس کمیته نام‌گذاری معابر شهر تهران، در جریان یک مراسم افتتاح گفت: «به‌زودی بلوار مدیریت به نام آیت‌الله مهدوی‌کنی نام‌گذاری می‌شود».

وی در پاسخ به این سؤال که چرا برخلاف همه افرادی که برایشان طرح دوفوریتی امضا و تصویب می‌شد، برای آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی طرح دوفوریتی نام‌گذاری تهیه نشد و به تصویب نرسید، گفت: من

نمی‌دانم چرا، فقط می‌دانم منتظر ماندیم کسی اقدام نکرد و بعد هم همین اندازه امضا جمع شد. من از همان جلسه پس از فوت مطرح کردم؛ اما امضاها به دوفوریتی نرسید.

تمام‌قد پای شرافت حرفه‌ای‌ام می‌ایستم

۴ شما تاکنون در بیش از ۵۰ فیلم و لایب با احتساب تاتارها و سریال‌هایتان در بیش از ۶۰ نقش حضور داشتید. کدام نقش ماندن‌ه که دوست دارید بازی کنید و هنوز بازی نکرده‌اید؟
دلم می‌خواهد نقش «شاه لیر» را بازی کنم. در یک دوره‌ای دلم می‌خواست «کردلیا» را بازی کنم اما الان «کردلیا» برایم سخت نیست و دلم می‌خواهد خود «شاه‌لیر» را بازی کنم. اما در سینمای خودمان نقشی نیست که فکر کنم دلم می‌خواسته بازی کنم و نکردم!
شاید نقش‌هایی مثل نقش زن‌هایی که در تاریخ ما تعیین‌کننده بوده‌اند را دوست داشته باشم بازی کنم.
خیلی دلم می‌خواهد که نقش قمرالملوک وزیری را بازی کنم. چون او یک زن استثنایی در تاریخ ماست. البته همه زنانی که من بازی کرده‌ام معاصر بوده‌اند و هیچ‌وقت کار تاریخی نکرده‌ام. اما اگر بخواهم یک نقش تاریخی بازی کنم، خیلی دلم می‌خواهد نقش زنان تأثیرگذار تاریخ را بازی کنم.

۴ کارنامه معتمدآریا را اگر صد سال دیگر هم مرور کنیم، می‌توانیم در آن گوشه‌های مختلف تاریخ اجتماعی امروز ایران را ببینیم. کارنامه متنوعی است و یکی از کامل‌ترین کارنامه‌های بازیگری تاریخ سینمای ایران است. اما فارغ از اینکه دوست دارید نقش زن‌های تأثیرگذار تاریخ را بازی کنید، کدام‌یک از زن‌های معاصر ایرانی را تا به‌حال بازی نکرده‌اید و دوست دارید بازی کنید؟

کسی که خیلی دلم می‌خواهد نقش او را بازی کنم، اولین زن خلبان است! خودم بازی در این نقش را خیلی دوست دارم.
۴ خیلی‌ها بازیگری مثل شما را که در نقش‌های مختلف و متنوعی موفق ظاهر شده، ستاره خطاب می‌کنند. برخورد شما با این الفاظ چیست؟ خودتان را هیچ‌وقت ستاره دانسته‌اید؟
نه واقعاً. من همیشه اینها را مثل سنجاقی که به لباسم هست، باز می‌کنم و می‌گذارم کنار و خودم را از آنها فارغ می‌کنم. به‌طورکلی هم هرگز موافق القابی که به بازیگران داده می‌شود و بعضی‌ها هم با آن هیجان زده می‌شوند، نیستم و فکر می‌کنم خود کلمه «بازیگر» آن‌قدر کافی هست که لازم نباشد چیزی به آن افزون کنیم.

۴ شما یکی از پرجایزه‌ترین چهره‌های سینمای ایران هستید. برخورد شما با جوایبی که گرفته‌اید چگونه است؟
تعداد زیادی از تندیس‌ها را به موزه سینما داده‌ام که گذاشته‌اند در انبار. چهار پنج تا هم هست که توی خانه نگه داشتم‌ام و هربار چشمم را به آنها می‌خورد از خودم می‌پرسم چرا من اینها را نگه داشتم‌ام؟ و با خودم می‌گویم که اینها را هم به موزه بدهم. اما بعد که می‌بینم آنها هم قرار است بروند در انبار، به این نتیجه می‌رسم که در خانه‌ام بمانند.

بعد از یک مدتی جوایز برایم مثل یک کتاب دیدهام. ارزشمند هستند اما حسی از این بابت که بگویم مفتخرم از فرانسه، آمریکا یا هرجای دیگری جایزه گرفته‌ام هرگز تجربه نکرده‌ام. وقتی می‌بینمشان بیشتر به این فکر می‌کنم این مجسمه و تندیس چطور ساخته و پرداخته شده و تکنیکی به آنها نگاه می‌کنم و حسن تملک شخصی ندارم. همان‌طور که به باقی مجسمه‌ها هم ندارم. حالا متوجه می‌شوم که حذف نام و تصویر من در صداوسیما به‌عنوان بازیگری که بیشترین جوایز بازیگری را گرفته فقط آمارهای تاریخی را به هم می‌ریزد وگرنه فرقی به حال من ندارد.

۴ شما تنها چهره تاریخ هنر ایران هستید که تصویرتان بر دیواری در سازمان ملل نقاشی شد. هنر و واکنشتان نسبت به این اتفاق چطور بود؟
من که اصلاً نمی‌دانستم آن نقاش محترم ایتالیایی که تصویر مرا کشیده چه کسی است و نه هرگز خودم را در اندازه هنرمندان دیگری که تصویرشان آنجا نقاشی شده مثل ساتیا جیت رای که الگوی من بوده‌اند یا من اینکه تصویر من به‌عنوان فردی که در حرفه خودش تأثیرگذار بوده آنجا نقاشی شد، شگفت‌انگیزترین اتفاقی بود که در حیطه جانی کارم برام رخ داد.

۴ اما این روحیه‌ای که دارید و فریفته القاب و جوایز نمی‌شوید چطور در شما شکل گرفته؟
این روحیه از بی‌چیزی و بی‌نیازی است. من احتیاجی ندارم که با متصل‌کردن خودم به چیزها، اعتبار بگیرم.
من از داشته‌هایم خیلی لذت می‌برم. دارایی‌هایم خیلی هم محدودند: دوستان خوب، پدر و مادر خوبی که اگرچه دیگر کارام نیستند اما یادشان همیشه با من است؛ شوهر و فرزند خوب و خانواده‌ای که دوستانشان دارم و شغلی که عاشقش هستم.

هیچ چیزی مهم‌تر از این نیست که آدم از کاری که می‌کند لذت ببرد و شغلش را نه‌فقط دوست بدارد، که عاشق حرفه‌اش باشد.